

تعاون و کشاورزی، سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۱

عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونیهای روستایی زنان

استان ایلام^۱

مهرداد نیک نامی^۲، زینب بندرز^۳، داود ثمری^۴

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۴ تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونیهای روستایی زنان استان ایلام انجام گرفته است. این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه زنان عضو تعاونیهای روستایی زنان استان ایلام ($N=1242$) در سال ۱۳۸۹ - ۹۰ در برمی گیرد که از میان آنها با استفاده از نمونه-گیری به روش تصادفی ساده و با انتساب متناسب، ۱۲۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه‌ای بوده که روایی آن بر اساس نظر جمعی از استادان و پایایی بخشی از پرسشنامه (عوامل اقتصادی) نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha=0/91$) تأیید شده

۱. این مقاله بر گرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با نام «عوامل مؤثر بر توانمندسازی اعضای و ارکان تعاونیهای روستایی زنان استان ایلام» است.

۲ و ۴. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار (گروه ترویج و آموزش کشاورزی)

۳. دانشجوی دوره دکترا و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار (نویسنده مسئول)

e-mail: zinabandrez@gmail.com

است. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین متغیرهای میزان ایجاد و راه اندازی کسب و کار، کنترل درآمد، ایجاد و پرورش روحیه کارآفرینی و شناخت بازار (همگی از طریق تعاونی) با میزان توانمندسازی اعضا رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج رگرسیون گام به گام در خصوص تأثیرگذاری هشت متغیر مورد مطالعه بر توانمندسازی اعضا نیز مبین آن است که متغیر ایجاد کسب و کار از طریق تعاونی مهمترین عامل تأثیرگذار بر توانمندسازی اعضاست. این متغیر توانایی تبیین ۷/۶٪ از واریانس توانمندی اعضا را دارد.

کلیدواژه‌ها:

عوامل اقتصادی، توانمندسازی، تعاونیهای روستایی زنان

مقدمه

زنان روستایی نیروی عمده ای جهت پیشرفت اقتصاد کشور به شمار می آیند. اطلاع از نقش این قشر باعث شده است بسیاری از کشورها از طریق اجرای روشهایی، موجب توانمندسازی این گروه برای داشتن نقش فعال شوند؛ لذا آنچه در حال حاضر ذهن بسیاری از صاحب نظران را به خود مشغول کرده، ارائه راهبردها و راهکارهای عملی جهت استفاده از ظرفیتهای بالقوه زنان جهت نیل به اهداف توسعه می باشد. در برنامه های توسعه ملی و بین المللی نیز این قشر مورد توجه چشمگیری قرار گرفته و برای توانمندسازی آنان در تمام زمینه ها تلاش شده است (Prakash, 2003).

بدیهی است بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان، اهمیت واقعی و نه صوری آنها را در توسعه اقتصادی جامعه نمایان می سازد. توانمندسازی به عنوان فرایند دسترسی، کنترل و مالکیت منابع؛ استقلال در استفاده از مواد، منابع، داراییها، اطلاعات و زمان؛ توانایی تصمیم گیری در خانواده، اشتغال و درآمد تعریف شده است (Singh et al., 2010).
توانمندسازی زنان از طریق تعاونیهای روستایی رویکرد مهمی در کاهش فقر زنان و افزایش توسعه پایدار روستایی است (Sanyang and Huang, 2008)، از این رو ایجاد،

تقویت و بهبود تعاونیها، راهبردی برای توانمندسازی این گروه شمرده می شود (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۵). تعاونیهای روستایی زنان از جمله تشکلهای مردمی هستند که می توانند با مشارکت منابع انسانی و تجمیع سرمایه های کوچک، زمینه های مناسب را جهت ایجاد اشتغال فراهم کنند (حسینی نیا، ۱۳۸۷). از آنجا که فراهم آوردن فرصتهای درآمدزا متناسب با نیازهای جامعه برای اعضا یکی از مهمترین اهدافی است که در تعاونیها مطرح می شود، لذا انتظار می رود با رسمیت یافتن و ثبت این تعاونیها، بخش اعظم مشکلات مربوط به مسائل اقتصادی زنان حل شود و این شرکتها به مدد ساختار مردمی خود بتوانند مشارکت زنان را در فعالیتهای اقتصادی محقق سازند و جایگاه ویژه ای برای زنان روستایی پدید آورند. اما شواهد و قرائن موجود در زمینه عملکرد این نهادها در استان ایلام مبین آن است که با وجود مشارکت اقتصادی زنان در این شرکتها، در زمینه توانمندسازی آنان اقدام خاصی صورت نگرفته است. اغلب تعاونیهای موجود، به دلیل وجود موانعی نظیر پایین بودن سطح درآمد و کمبود منابع مالی و اعتبارات، تاکنون نتوانسته اند در توانمندسازی زنان روستایی انتظارات را برآورده سازند (موموندی، ۱۳۸۸) و لذا با توجه به اینکه اعضا بخش چشمگیری از سرمایه شرکت را خود به طور مستقیم تأمین می کنند، لیکن اثری از توزیع سود و مازاد درآمد در میان آنان به چشم نمی خورد. طبعاً ادامه چنین وضعیتی با اساسنامه تعاونی منافات دارد و از این رو لزوم شناسایی راهکارهای عملی اصلاح چنین وضعیتی در جهت افزایش قدرت بخشیدن به اعضای تعاونیها از یک سو و شناسایی عوامل اقتصادی توانمندساز از سوی دیگر، حائز اهمیت است. از همین روست که نیاز به انجام چنین تحقیقی آشکار می گردد. در این راستا سؤال تحقیق حاضر آن است که به لحاظ اقتصادی چه متغیرهایی بر توانمندسازی اعضای تعاونیهای روستایی زنان تأثیر دارند؟ پاسخ به این سؤال به برنامه ریزان کمک می کند تا در برنامه های تعاون با دید وسیعتری مسیر را برای رشد و توسعه تعاونیها هموار نمایند. پاسخ به این سؤال همچنین منجر به شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر، پیش برنده و تقویت کننده توانمندساز اعضای تعاونیهای مورد مطالعه نیز می گردد. بنابراین از آنجا که عوامل اقتصادی مؤثر و راهکارهای مناسب

توانمندساز اعضای تعاونیهای روستایی زنان نامشخص است، پژوهش حاضر می بایست در گام نخست به تبیین شاخصهای اقتصادی توانمندساز اعضای این تعاونیها و سپس به تأثیرات عوامل اقتصادی در توانمندسازی آنان بپردازد. با این اوصاف، تحقیق حاضر با هدف کلی شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونیهای روستایی زنان استان ایلام انجام شد. در این باره اهداف اختصاصی زیر مورد توجه قرار گرفت:

۱. شناسایی ویژگیهای فردی و حرفه ای اعضای تعاونیهای روستایی زنان استان ایلام؛
۲. تبیین شاخصهای اقتصادی توانمندساز اعضای تعاونیهای روستایی زنان استان ایلام؛
۳. بررسی رابطه بین عوامل اقتصادی با میزان توانمندی اعضای تعاونیهای روستایی زنان استان ایلام؛
۴. بررسی تأثیر عوامل اقتصادی در توانمندسازی اعضای تعاونیهای روستایی زنان استان ایلام.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی صورت گرفته است که در این بخش به فراخور موضوع تحقیق، به برخی از آنها به اختصار اشاره می شود.

پناهی و چیدری (۱۳۸۵) در مقاله ای حذف فقر و توانمندسازی را به موازات یکدیگر قرار داده و عنوان کردند که بهبود موقعیت اقتصادی زنان، یک اصل اساسی و پایه برای توانمندسازی آنان محسوب می گردد. در این مقاله اشاره شده است که از طریق توانمندسازی، قدرت استفاده از داراییها، موجودیها و ایجاد فرصتهای اشتغال افزایش می یابد. نتیجه اینکه توانمندسازی عاملی برای بهبود موقعیت افراد و فرایندی چندبعدی تلقی شده است که مردم آن را در زندگی روزمره در اجتماع با خلاقیت حول موضوعاتی به کار می گیرند که مهم تلقی می شوند.

نجفی اصل (۱۳۸۵) طی مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافت که اعتبارات خرد بر توانمندسازی زنان روستایی تأثیر گذار است. از دیدگاه وی، توانمندسازی زنان با استفاده از ابزار تأمین مالی خرد، راهی مناسب برای هدایت زنان به سمت انجام فعالیتهای تولیدی و درآمدزاست. وی همچنین در تحقیق خود به این نکته اشاره نمود که پرداخت اعتبارات به تهایبی نمی تواند مشکلی را حل کند، بلکه باید روحیه کارآفرینی در زنان ایجاد شود و این اتفاق نمی افتد مگر اینکه قبل از ترغیب آنها به فعالیتهای تولیدی، نیازهای ضروری آنان پاسخ داده شود.

بهنود (۱۳۸۸) طی مطالعه‌ای، به واحدهای اعتباری به عنوان مناسبترین شیوه اقتصادی در جهت حفظ منافع عمومی و افزایش توان مالی و اقتصادی اعضای تعاونیها اشاره کرده است. از دیدگاه وی، این واحدها علاوه بر ایجاد انگیزه در اعضا، جهت رفع نیازهای مشترک و بهبود وضع مالی، فرصتی را جهت افزایش توان تخصصی اعضا فراهم می آورند.

نتایج مطالعات نیک منش و خداوردی لو (۱۳۸۹) نیز نشان داد که اعتبارات مالی از جمله عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان روستایی به شمار می رود.

سروش مهر (۱۳۸۸) طی مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافت که بین توانمندسازی زنان روستایی با میزان مهارت اقتصادی و داراییهای غیر اقتصادی آنان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

سازمان ملل متحد گزارشی از پروژه ای با نام "پروژه هزاره" در لندن جهت شناسایی اولویتهای راهبردی و اقدامات عملی برای دستیابی به توانمندسازی زنان تا سال ۲۰۱۵ تهیه کرد که در آن راهکارهای پیشنهادی برای توانمندسازی زنان عبارت بودند از: حذف نابرابری جنسیتی در اشتغال، سرمایه گذاری در زیر ساخت ها برای تضمین اموال و حقوق ارثی زنان، محدود کردن شکاف جنسیتی در درآمد و کاهش تبعیض شغلی. این گزارش استدلال می کند که نبود راه های عملی برای توانمندسازی زنان مشکل نیست، بلکه مشکل عدم تغییر و تحول

در تصورات و نگرش جامعه، سازماندهی نقش مردان و زنان، مسئولیتها و کنترل بر منابع است (Grown et al., 2005).

گزارش صندوق بین المللی توسعه کشاورزی در زمینه توانمندسازی زنان روستایی در سال ۲۰۰۵ نشان داد که تشکیل صندوقهای قرض الحسنه کوچک به صورت گروهی باعث کاهش فاصله میان زنان شده و بحث و تبادل نظر و مشارکت را در میان آنها تقویت کرده است. همچنین این صندوقها فرصتهایی برای یادگیری ایجاد کرده اند. این امر در بسیاری از موارد موجب تغییر در آگاهی اجتماعی از نقشهای جنسیتی و مشارکت فعالتر زنان در امور جامعه، تعامل بیشتر با نهادهای رسمی و در برخی موارد کاهش محسوس خشونت در خانوادهها شده است (IFAD, 2005).

نتایج مطالعه باهاراتاما (Bharathamma, 2005) نشان داد که بین درآمد خانواده با توانمندسازی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، در حالی که سن، وضعیت تأهل و در اختیار داشتن نهادهای، وسایل و ابزار انجام کار هیچ رابطه معنی داری با توانمندسازی زنان روستایی ندارد.

ریانو و اُکالی (Riano and Okali, 2008) در مطالعه‌ای با عنوان "توانمندسازی زنان روستایی از طریق شرکت دادن آنها در پروژه های تولیدی" بر اهمیت درآمد و برنامه های اعتبارات خرد در راستای رسیدن به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان تأکید کردند. این دو پژوهشگر، درآمدهای اقتصادی زنان را سازوکارهایی در راستای تحقق برابری جنسیتی و توانمندسازی آنان قلمداد کردند. چادری و نُشین (Chaudhry and Nosheen, 2009) نیز نشان دادند که توانمندسازی زنان متأثر از شغل زنان است و پرداخت دستمزد به زنان تأثیر مثبتی در قدرت بخشیدن به آنها دارد. همچنین توانمندسازی با تمرکز بر عوامل بالا (شغل زنان و پرداخت دستمزد به آنان) در بهبود وضعیت اقتصادی و به تبع آن، کاهش فقر زنان مفید می باشد.

دیپا و بارانی (Deepa and Barani, 2010) نتیجه گرفتند که اعتبارات خرد به عنوان یکی از ابزارهای کاهش فقر، بر کاهش بار مالی و بدهی زنان روستایی تأثیرگذار است و در نهایت منجر به توانمندسازی زنان روستایی و بهبود وضعیت اقتصادی آنان می‌شود.

نتایج مطالعه تایید و گُل (Tayd and Chole, 2010) نیز نشان داد که بین شغل و میزان درآمد سالانه با میزان توانمندسازی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

چن^۱ - به نقل از مایوکس (Mayoux, 2005) - در مطالعه ای به این نتیجه دست یافت که توانمندسازی زنان تحت تأثیر افزایش درآمد، امنیت درآمد، افزایش دسترسی به منابع، کنترل بر منابع و مالکیت داراییها و درآمدها می‌باشد.

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، از نوع تحقیقات توصیفی است. جامعه آماری تحقیق را ۱۲۴۲ نفر از اعضای تعاونیهای روستایی زنان ایلام در سال ۱۳۸۹-۹۰ دربرمی‌گیرند. به منظور تعیین حجم نمونه، از مجموع پنج شرکت تعاونی روستایی زنان که در شهرستانهایی از استان ایلام فعال بودند، به طور تصادفی و با انتساب متناسب، ۱۲۸ نفر به عنوان نمونه (بر حسب فرمول کوکران) انتخاب شدند. ابزار تحقیق نیز مصاحبه و پرسشنامه‌ای بوده است که روایی و پایایی آن به ترتیب با نظر استادان و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۱) تأیید شد. به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق با متغیر توانمندسازی اعضا نیز از آزمونهای همبستگی اسپیرمن و رگرسیون خطی چندمتغیره^۲ به روش گام به گام استفاده شد.

1. Chen, 1997

2. Multiple Linear Regression

نتایج و بحث

۱. نتایج توصیفی

۱.۱. ویژگیهای فردی و حرفه‌ای اعضای تعاونیها

بر مبنای نتایج به دست آمده، سن اعضای تعاونیهای مورد مطالعه به طور متوسط ۳۷ سال بوده است. در خصوص سابقه عضویت، متوسط سابقه عضویت اعضا در تعاونی ۴/۵ سال و کمترین سابقه عضویت ۱ سال و بیشترین آن ۱۴ سال بوده است. یافته‌ها نشان داد میزان درآمد اکثر اعضا (۹۲/۱٪) قبل از عضویت در تعاونی، کمتر از ۱ میلیون ریال بوده است و پس از عضویت نیز بیشتر اعضا (۸۶/۷٪) همین مقدار درآمد را کسب نموده اند.

۲.۱. عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی اعضا

در این پژوهش عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی اعضا مطابق جدول ۱ با ۸ متغیر سنجیده شد که نتایج نشان داد اکثر اعضا (۹۲/۲٪) میزان ایجاد و راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی را در حد کم و خیلی کم ارزیابی نموده اند. نتایج همچنین نشان داد که تنها ۳۵/۲٪ از اعضا به میزان زیاد و خیلی زیاد به تسهیلات بانکی از طریق تعاونی دسترسی دارند.

طبق نتایج، اکثر اعضا (۶۴٪) میزان دسترسی به اعتبارات خرد از طریق تعاونی را در حد کم و خیلی کم ارزیابی نموده اند.

اکثر اعضا (۸۹/۸٪) اظهار داشته اند در حد کم و خیلی کم توانسته اند از تعاونی کسب درآمد کنند. از طرفی، اکثر اعضا (۹۶/۹٪) در حد کم و خیلی کم توانسته‌اند درآمد حاصل از فعالیت در تعاونی را پس انداز کنند.

نتایج همچنین نشان داد اکثر اعضا (۸۴/۴٪) معتقدند که در حد متوسط به پایین از طریق تعاونی، روحیه کارآفرینی در آنها ایجاد شده است.

طبق نتایج تحقیق، اکثر اعضا (۹۲/۲٪) معتقدند در حد کم و خیلی کم به نهاده های مورد نیاز برای تولید یا راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی دسترسی دارند. نتایج همچنین حاکی است که اکثر اعضا (۷۸/۱٪) میزان شناخت بازار از طریق تعاونی جهت بازاریابی و بازاریابی محصولات و تولیدات کشاورزی و غیره را در حد کم و خیلی کم ارزیابی نموده اند.

جدول ۱. توزیع فراوانی بر حسب عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی اعضا (n=۱۲۸)

خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		عوامل اقتصادی
فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد		
۰/۸	۱	۳/۱	۴	۳/۹	۵	۲۰/۳	۲۶	۷۱/۹	۹۲	میزان ایجاد و راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی
۴/۷	۶	۳۰/۵	۳۹	۲۴/۲	۳۱	۳۰/۵	۳۹	۱۰/۲	۱۳	میزان دسترسی به تسهیلات بانکی از طریق تعاونی
۱/۶	۲	۱۲/۵	۱۶	۲۱/۹	۲۸	۲۸/۱	۳۶	۳۵/۹	۴۶	میزان دسترسی به اعتبارات خرد از طریق تعاونی
۰	۰	۳/۹	۵	۶/۳	۸	۲۷/۳	۳۵	۶۲/۵	۸۰	میزان کسب درآمد از طریق تعاونی
۰	۰	۱/۶	۲	۱/۶	۲	۱۰/۲	۱۳	۸۶/۷	۱۱۱	میزان کنترل درآمد (پس انداز) حاصل از فعالیت در تعاونی
۰	۰	۱۵/۶	۲۰	۳۴/۴	۴۴	۲۰/۳	۲۶	۲۹/۷	۳۸	میزان پرورش روحیه کارآفرینی از طریق تعاونی
۰	۰	۰	۰	۷/۸	۱۰	۱۰/۹	۱۴	۸۱/۳	۱۰۶	میزان دسترسی به نهاده ها و منابع مورد نیاز از طریق تعاونی
۰	۰	۱۰/۲	۱۳	۱۱/۷	۱۵	۱۲/۵	۱۶	۶۵/۶	۸۴	میزان شناخت بازار از طریق تعاونی
چارک اول = ۲ میانه = ۲ چارک سوم = ۳										

مأخذ: یافته های تحقیق

۳.۱. میزان توانمندی اعضا

نتایج پژوهش (جدول ۲) در خصوص میزان توانمندی اعضا نشان داد که ۱۰۷ نفر (۸۳/۶٪) از اعضا با بیشترین فراوانی، در حد متوسط توانمندند.

جدول ۲. توزیع فراوانی اعضای تعاونیهای مورد مطالعه بر حسب میزان توانمندی

میزان توانمندی	نمره توانمندی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
توانمندی کم	کمتر از ۷۶	۴	۳/۱	۳/۱
توانمندی متوسط	۷۶-۱۱۴	۱۰۷	۸۳/۶	۸۶/۷
توانمندی زیاد	بیشتر از ۱۱۴	۱۷	۱۳/۳	۱۰۰
جمع		۱۲۸	۱۰۰	
میانگین = ۹۹/۲۳ انحراف معیار = ۱۵/۱۸ کمینه = ۵۰ بیشینه = ۱۵۱				

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲. نتایج استنباطی

۱.۲. همبستگی عوامل اقتصادی مورد مطالعه با متغیر میزان توانمندسازی اعضای تعاونیها

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق با متغیر توانمندسازی و با توجه به رتبه‌ای بودن متغیرهای مزبور، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین متغیرهای میزان ایجاد و راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی و نیز میزان شناخت بازار از طریق تعاونی با متغیر میزان توانمندسازی اعضا در سطح ۱ درصد رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین متغیرهای میزان کنترل در درآمد و میزان ایجاد و پرورش روحیه کارآفرینی با متغیر میزان توانمندسازی اعضا در سطح ۵ درصد رابطه مثبت و معنی دار دارند. از سوی دیگر، نتایج نشان می دهد سایر متغیرهای مورد بررسی با توانمندسازی اعضا رابطه معنی دار ندارند (جدول ۳).

جدول ۳. ضرایب همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای تحقیق با متغیر توانمندسازی

مقدار ضریب	سطح معنی داری	متغیرهای تحقیق
۰/۲۵۹ ^{**}	۰/۰۰۳	میزان ایجاد و راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی
۰/۱۲۹ ^{NS}	۰/۱	میزان دسترسی به تسهیلات بانکی از طریق تعاونی
-۰/۰۷۴ ^{NS}	۰/۴	میزان دسترسی به اعتبارات خرد از طریق تعاونی
۰/۱۷۰ ^{NS}	۰/۰۵	میزان کسب درآمد از طریق تعاونی
۰/۱۹۹ [*]	۰/۰۲	میزان کنترل درآمد (پس انداز) حاصل از فعالیت در تعاونی
۰/۱۹۵ [*]	۰/۰۲	میزان ایجاد و پرورش روحیه کارآفرینی بین اعضا از طریق تعاونی
۰/۰۳۲ ^{NS}	۰/۷	میزان دسترسی به نهاده ها و منابع مورد نیاز از طریق تعاونی
۰/۲۳۱ ^{**}	۰/۰۰۹	میزان شناخت بازار از طریق تعاونی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

** معنی داری در سطح ۱ درصد * معنی داری در سطح ۵ درصد NS: عدم معنی داری

۲.۲. رگرسیون چندگانه جهت تعیین عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونیها

در ادامه به منظور برآورد نقش کلی عوامل اقتصادی بر متغیر توانمندسازی اعضا از رگرسیون خطی چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. در تحلیل رگرسیون تنها متغیر «میزان ایجاد کسب و کار از طریق تعاونی» در معادله باقی ماند که مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) آن برابر ۰/۲۷۶ و ضریب تعیین تعدیل شده اش (\bar{R}^2) نیز برابر ۰/۰۶۹ به دست آمد. نتایج مبین آن است که متغیر مزبور روی هم رفته ۷/۶ درصد از تغییرات متغیر توانمندسازی اعضا را تبیین می نماید؛ لذا نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می دهد از بین چهار متغیر دارای همبستگی معنی دار با متغیر توانمندسازی اعضا، تنها یک متغیر در معادله باقی ماند و این یک متغیر نیز تنها توانایی تبیین ۷/۶ درصد از تغییرات توانمندسازی اعضا را دارد. سایر تغییرات مربوط به عواملی است که در این تحقیق مورد مطالعه قرار نگرفته است (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در تعیین نقش متغیرهای تحقیق در

توانمندسازی اعضا

Sig	t	\bar{R}^2	R^2	R	B	β	متغیر وارد شده در معادله
۰/۰۰۲	۳/۲۱۸	۰/۰۶۹	۰/۰۷۶	۰/۲۷۶ ^a	۰/۱۳۹	۰/۲۷۶	ایجاد و راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی
Constant=۲/۹۰۵ F = ۱۰/۳۵۵ Sig.F = ۰/۰۰۲							

مأخذ: یافته‌های تحقیق

گفتنی است که متغیر «ایجاد و راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی» با بیشترین مقدار بتا بیشترین سهم را در پیشگویی تغییرات متغیر توانمندسازی اعضا دارد، زیرا یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می شود تا انحراف معیار متغیر توانمندسازی اعضا، ۲۷/۶ درصد تغییر کند. با توجه به نتایج به دست آمده، معادله خطی حاصل از رگرسیون به صورت زیر است:

$$\hat{Y} = 2/905 + 0/139(X_1)$$

که در آن X_1 میزان ایجاد و راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی است.

نتیجه گیری و پیشنهاد

یافته‌های پژوهش نشان داد که اکثر اعضا به میزان خیلی کم موفق به ایجاد و راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی شده اند به گونه ای که تنها پنج نفر از اعضا یا ۳/۹ درصد جامعه آماری، به میزان زیاد و خیلی زیاد موفق به ایجاد و راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی شده اند. لذا از نتایج استنباط می شود که عملکرد تعاونیهای مورد مطالعه در زمینه ایجاد کسب و کار برای اعضا مطلوب نبوده و رضایت اعضا از این عملکرد پایین بوده است. این یافته نتایج مطالعه نراقی (۱۳۸۹) را تأیید می کند.

طبق نتایج تحقیق، اکثر اعضا خیلی کم به اعتبارات خرد در تعاونی دسترسی دارند به طوری که ۶۴ درصد از اعضا میزان دسترسی به اعتبارات خرد را در حد کم و خیلی کم ارزیابی نموده اند. دلیل این امر ناشی از کمبود نقدینگی صندوق تعاونیها می باشد. در توجیه این نتیجه می توان چنین گفت که تعاونیهای زنان مورد مطالعه به امور خدماتی گرایش دارند، لذا سرمایه در گردش صندوق این تعاونیها به دلیل عدم خرید و فروش تولیدات و محصولات کشاورزی و غیره کمتر است. از طرفی، به دلیل عدم نظارت و رسیدگی مالی، اعتبارات خرد در تعاونیها ناعادلانه توزیع می گردد و بنابراین خیلی طبیعی است که اعضا به اعتباراتی دسترسی نداشته و توانمندی اقتصادی کمتری نیز داشته باشند. در این باره یافته ها با نتایج مطالعه طالب و نجفی اصل (۱۳۸۶) مطابقت دارد.

از نتایج استنباط می شود که تعاونیهای مورد مطالعه تا به حال منبع درآمدزای مناسبی برای اعضا نبوده اند به طوری که ۸۹/۸٪ از اعضا در حد کم و خیلی کم توانسته اند از تعاونی کسب درآمد کنند. این در حالی است که اکثر قریب به اتفاق اعضا اگر هم درآمدی از تعاونی کسب کرده اند، به دلیل ناچیز بودن مبالغ نتوانسته اند آن را پس انداز کنند. نتایج مؤید این مطلب است که تعاونیهای مورد مطالعه در کسب، افزایش و کنترل درآمد برای اعضا ناموفق عمل کرده اند.

طبق یافته های تحقیق، بیش از نیمی از اعضا اذعان داشته اند که از طریق تعاونی، روحیه کارآفرینی در آنها ایجاد شده است؛ لذا می توان گفت که تعاونیهای مورد مطالعه در ایجاد روحیه کارآفرینی تا حدی نقش داشته اند.

به رغم اینکه تعاونیهای مورد مطالعه اعضا را تشویق به کارآفرینی کرده اند، اما نتایج به وضوح مبین آن است که هیچ ابزار، امکانات و در کل هیچ نهادی از جانب تعاونیها برای ایجاد اشتغال و کارآفرینی، در اختیار افراد قرار نگرفته است به طوری که ۱۱۸ نفر از اعضا که ۹۲/۲٪ جامعه آماری را تشکیل می دهند، به میزان کم و خیلی کم به نهادی مورد نیاز برای تولید یا راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی دسترسی داشته اند. مسلماً موارد این چنینی

مانند ایجاد روحیه کارآفرینی و از سویی قرار ندادن ابزار و امکانات مورد نیاز برای کار، نتیجه‌ای جز اتلاف منابع انسانی و مالی و از همه مهمتر زمان، برای اعضای تعاونیها نخواهد داشت. این یافته‌ها نتایج مطالعه نراقی (۱۳۸۹) و از کیا (۱۳۸۱) را تأیید می‌کند.

طبق یافته‌های تحقیق، اکثر اعضا (۷۸/۱٪) میزان شناخت بازار از طریق تعاونی جهت بازاریابی و بازاریابی محصولات و تولیدات کشاورزی و غیره را در حد کم و خیلی کم ارزیابی نموده‌اند و لذا می‌توان استنباط نمود که اکثر اعضا شناخت کمی از بازار دارند. این یافته‌ها با نتایج مطالعه قلانی (۱۳۸۸) مطابقت دارد.

بر مبنای نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون، «ایجاد و راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی» عاملی است که بیشترین نقش را در تبیین تغییرات توانمندسازی اعضا دارد و ۷/۶٪ از این تغییرات را تبیین کرده است. برخی نتایج به دست آمده در پژوهشهای نواز (Nawaz, 2009) و سنیانگ و هوانگ (Sanyang and Huang, 2008) با نتایج به دست آمده در تحقیق حاضر مطابقت دارد.

در نهایت، از نتایج این پژوهش چنین استنتاج می‌شود که اکثر اعضا به میزان خیلی کم به تسهیلات بانکی دسترسی دارند. دسترسی به تسهیلات بانکی می‌تواند موجب بهبود وضع اقتصادی، رفع مشکلات مالی و نتیجتاً توانمندی اقتصادی اعضا گردد که متأسفانه تعاونیهای مورد مطالعه فاقد چنین مزیتی بودند. دلیل این امر نیز ناشی از عدم همکاری بانکها در اعطای تسهیلات، بالا بودن نرخ سود تسهیلات و نیز درخواست وثایق از تعاونیها می‌باشد که باعث شده است تعاونیها نتوانند به سهولت تسهیلات بانکی را از بانکهای عامل دریافت کنند و آن را در اختیار اعضا قرار دهند. از نتایج همچنین استنتاج می‌شود که متغیر ایجاد و راه اندازی کسب و کار از طریق تعاونی عاملی است که بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی اعضا دارد. همچنین از آنجا که در این پژوهش بین عوامل اقتصادی و توانمندسازی اعضا رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش بهره‌گیری از امکانات اقتصادی در تعاونیها، توانمندی اعضا به همان نسبت افزایش می‌یابد. لذا به منظور افزایش

میزان اثر بخشی تعاونیها در توانمندسازی اعضا و بر مبنای یافته های تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

۱. به دلیل وجود رابطه مثبت و معنی دار بین ایجاد و پرورش روحیه کارآفرینی در اعضا و توانمندسازی آنها، پیشنهاد می شود روحیه کارآفرینی در اعضا ایجاد و تقویت گردد. بیش از نیمی از اعضا اذعان داشته اند تعاونیها فعالیت کمی در این زمینه داشته اند. با بررسی یافته ها نیز این نتیجه به دست آمد که اکثر اعضا به میزان زیاد از خلاقیت و نوآوری و نیز انگیزه پیشرفت و موفقیت در زندگی برخوردارند و لذا اعضا، شرایط و ویژگیهای کارآفرین شدن را دارند. با این تفاسیر توصیه می شود سازمان تعاون روستایی با همکاری مراکز کارآفرینی و سازمانهای فنی و حرفه ای استان، اقدام به راه اندازی دوره های کوتاه مدت در زمینه شناسایی فرصتهای شغلی و چگونگی راه اندازی کسب و کار و بازاریابی و بازاریابی کند. از این طریق ضمن ایجاد و تقویت روحیه کارآفرینی در اعضا، زمینه آشنایی اعضا با چگونگی ایجاد کسب و کار نیز فراهم می شود.

۲. نظر به اینکه بین شناخت بازار توسط اعضای تعاونیهای روستایی زنان و توانمندسازی آنها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، لذا می توان انتظار داشت با افزایش شناخت اعضا از بازار، میزان توانمندی آنها نیز افزایش یابد. یافته های توصیفی تحقیق بیانگر آن بود که ۷۸/۱٪ از اعضا شناخت کمی از بازار دارد، زیرا تعاونی زنان مورد مطالعه بر عکس دیگر شبکه ها، گرایش شدیدی به امور خدماتی دارد. به همین دلیل اکثر اعضا الزامی برای شناخت بازار در خود نمی بینند. از طرفی، به دلیل تسلط مردان در جامعه، هیچ یک از اعضا نه از کار خود شناخت دارند و نه دارای شم اقتصادی هستند و لذا توجه مسئولان به این امر می تواند موجبات افزایش توانمندی اقتصادی اعضا را فراهم سازد. در این راستا برگزاری دوره های آموزشی در زمینه بازاریابی تولیدات و محصولات کشاورزی و غیره و نهادهای مورد نیاز روستاییان می تواند مفید واقع شود. همچنین علاوه بر آموزش، بر پایی نمایشگاه های استانی و ملی توسط تعاونیها موجب می گردد تا اعضا عملاً با تقاضای بازار آشنایی پیدا کنند.

۳. با عنایت به اینکه متغیر ایجاد و راه اندازی کسب و کار برای اعضا عاملی است که بیشترین نقش را در تبیین تغییرات توانمندسازی اعضا دارد و از آنجا که تعاونیهای مورد مطالعه نتوانسته اند برای اکثر اعضا (۹۲/۲٪) ایجاد کسب و کار نمایند، لذا ضروری است عناصر دخیل در ایجاد و راه اندازی کسب و کار برای اعضای تعاونیها شناسایی گردند و در جهت تقویت آنها، اقدامات مقتضی صورت گیرد. بخش تعاون ظرفیت ایجاد فرصتهای شغلی مختلفی برای حضور فعال زنان روستایی دارد که از این فرصتها می توان برای اشتغالزایی بیشتر آنها سود جست، لذا لازم است مسئولان به این مورد توجه کافی نمایند.

منابع

۱. ازکیا، م. (۱۳۸۱)، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران.
۲. بهنود، م. (۱۳۸۸)، واحدهای اعتباری راهکاری جهت جلب مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی در تعاونی ها، مجموعه مقالات اولین نشست تعاونی های زنان، سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، تهران.
۳. پناهی، ف. و چیدری، م. (۱۳۸۵)، توانمندسازی زنان: راهبردها، چالش ها، چشم اندازها، ماهنامه جهاد، ۲۷۴: ۱۷۳-۱۹۸.
۴. حسینی نیا، غ.ح. (۱۳۸۷)، تعاونی های بانوان، ماهنامه سپیده دانایی، ۲(۱۶): ۷۶-۷۷.
۵. سروش مهر، ه. (۱۳۸۸)، بررسی شاخص ها و راهکارهای توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۶. شعبانعلی فمی، ح.، چوپچیان، ش، رحیم زاده، م. و رسولی، ف. (۱۳۸۵)، شناخت و تحلیل سازه های موفقیت شرکتهای تعاونی زنان در ایران، فصلنامه مطالعات زنان، ۴(۲): ۸۹-۱۰۹.

۷. طالب، م. و نجفی اصل، ز. (۱۳۸۶)، پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۰(۳): ۱-۲۶.
۸. قلاتی، ا. (۱۳۸۸)، بررسی مشکلات و راهکارهای اجرایی پروژه های اشتغال زا در تعاونیهای زنان، مجموعه مقالات اولین نشست تعاونی های زنان، سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، تهران.
۹. مومندی، ع. (۱۳۸۸)، ارتقاء اثربخشی آموزش های ارائه شده در تعاونی های زنان روستایی، مجموعه مقالات اولین نشست تعاونی های زنان، سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، تهران.
۱۰. نجفی اصل، ز. (۱۳۸۵)، بررسی پیامدهای اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی با تأکید بر طرح زینب کبری، مطالعه موردی: روستاهای شهرستان بوئین زهرا از توابع استان قزوین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۱. نراقی، ع. (۱۳۸۹)، ساختارسازی سازه های ترویج برای مدیریت تعاونی های کشاورزی، رساله دکتری، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۱۲. نیک منش، ز. و خداوردی لو، س. (۱۳۸۹)، بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی روانی زنان روستایی کشورهای اسلامی، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.

13. Bharathamma, G. U. (2005), Empowerment OF Rural Women through Income Generating Activities In Gadag District of North Karnataka, Master, University of Agriculture Sciences, Dharwad.

14. Chaudhry, I. S. and Nosheen, F. (2009), The Determinants of Women Empowerment in Southern Punjab (Pakistan): An Empirical Analysis, *European Journal of Social Sciences*, 10(2): 216-229.

15. Dheepa, T. and Barani, G. (2010), Role of MFI's in Empowering Rural Women-A Scenario from India, *Global Journal of Finance and Management*, 2(2): 209-224.
16. Grown, C., RaoGupta, G. and Kes, A. (2005), Taking Action: Achieving Gender Equality and Empowering Women, United Nations Millennium Project Task Force on Education and Gender Equality, London, Earth scan.
17. IFAD (2005), Economic Empowerment of Rural Women.
18. Mayoux, L. (2005), Gender Equality, Equality & Women's Empowerment: Principles, Definitions & Frameworks, Paper presented for publication in Microfinance Handbook, CERMi, Brussels.
19. Nawaz, F.(2009), Critical Factors of Women Entrepreneurship Development In Rural Bangladesh, Bangladesh Development Research Center (BDRC), BDRWPS5.
20. Prakash, D. (2003), Rural Women Food Security & Agricultural Cooperatives, Paper presented to the 4th Asian-African International Conference on Women in Agricultural Cooperatives in Asia and Africa.
21. Riano, R. E. and Okali, C. (2008), Women's empowerment through their participation in productive projects: unsuccessful experiences, Convergencia, UAEM, Mexico.
22. Sanyang, S. E. and Huang, W. (2008), Green Cooperatives: A Strategic Approach Developing Women's Entrepreneurship in the Asian and Pacific Region, *World Journal of Agricultural Sciences*, 4(6): 674-683.

23. Singh, A. K., Pooja, S. and Mishra, O. P. (2010), Womens empowerment, (Parvin, J. K., Trans).
24. Tayde, V. and Chole, R. R. (2010), Empowerment Appraisal of Rural Women in Marathwada, *Journal of Extension Education*, 10(1): 33-36.

